

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

ادبی - فرهنگی	Literary - Cultural
---------------	---------------------

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۱۸ جون ۲۰۰۸

"فرزند استقلال" و استاد "هفت قلم" رخ در نقاب خاک کشید

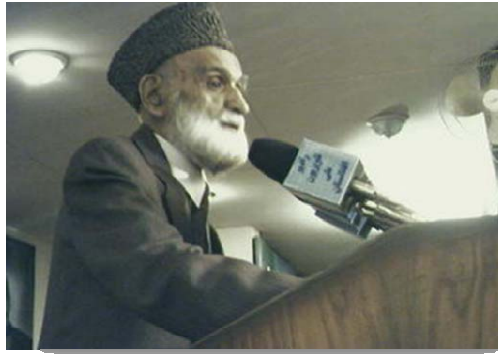
انا لله و انا اليه راجعون

همین لحظه نوشته کوتاهی از قلم جناب فضل الرحیم رحیم از نظرم گذشت و دانستم که "فرزند استقلال" رخت از جهان بر بسته و اسیر زندان خاک گردیده است. ایشان در بدو مقاله خود چنین نویسند: «استاد عزیزالدین وکیلی پوپلزائی، خطاط هفت قلم، نویسنده و مورخ شهیر کشور، خود را "فرزند استقلال" می نامید و برای این گفته اش دلیلی هم داشت ان اینکه او درست با استرداد استقلال افغانستان از چنگ انگلیس، دیده به جهان گشوده بود....»
و باز نویسد: «... استاد عزیزالدین وکیلی پوپلزائی، بتاريخ ۱۰,۰۶,۰۸ سال روان عیسوی به عمر هشتاد و نو سالگی داعی اجل را لبیک گفته و با جهان فانی وداع نمود.»

سوانح استاد وکیلی فوفلزائی:

صفحه ۱۰۹۰ جلد سوم "دانشنامه ادب فارسی" در مورد احوال و آثار استاد عزیزالدین وکیلی فوفلزائی چنین آرد:

«فرزند حاج نظام الدین وکیلی، کابل ۱۲۹۷ هـ ش (تاریخ تولد - شرح از من است)، خوشنویس، شاعر و تاریخ نگار افغانستانی*. وی از قبیله ایوب زایی قوم پوپلزائی است. ولی محمد خان پوپلزائی، از مردان قدرتمند دوره پادشاهی احمد شاه، نیای او بود. پدرانش از سه نسل پیش از او وکیل بودند و او تخلصش را به همین سبب وکیلی برگزید. وکیلی از حمل / فروردین ۱۳۱۷ کار در مطبوعات افغانستان را آغاز کرد و با وجود آن که در سنبله / شهریور ۱۳۵۲ باز نشسته (متقاعد - شرح از من است) شد، هجده سال دیگر هم در امور مطبوعاتی فعالیت کرد. مجله های آریانا، هنر، عرفان، کابل، ژوندون، سالنامه کابل، و روزنامه های انیس، اصلاح، هیواد و طلوع افغان از نشریه هایی بودند که وکیلی با آنها همکاری داشت. وی در سال ۱۳۴۲ش از سوی دولت افغانستان لقب "هفت قلم" ی یافت. عضو در مجلس مشورتی علمی وزارت اطلاعات و کلتور و نیز شورای عالی آرشیف ملی بود....
شماری از آثار آماده چاپ وی ازینقرارند:



استاد هفت قلم مرحوم عزیزالدین وکیلی پوپلزائی

تاریخ دوره امانیه؛ تقویم و تاریخ که خلاصه چهارده سده است؛ تاریخ مطابع و جرائد افغانستان؛ تاریخ ابدالیان قبل از زمان اعلیحضرت احمد شاه غازی؛ نگاهی به تاریخ طالبان علوم در دو قرن اخیر، که در آن به نظم و نثر، از شخصیت هایی که در راه صلح، امنیت، استقلال و تمدن اسلامی افغانستان خدمت کرده اند؛ یاد کرده است؛ سیاحتنامه دهلی که نگارش آن را در سال ۱۳۷۳ش در دهلی نو آغاز کرد؛ حشمت التواریخ که نگارش آن را در جدی ۱۳۷۴ش آغاز کرد. جز اینها شماری از آثار وی به چاپ رسیده اند. از جمله آثارش: احمد شاه وارث و مجید (به کسر دال اول یعنی "تجدید کننده" - شرح از من است) امپراتوری افغانستان در دو جلد (کابل ۱۳۵۹ش)؛ تیمور شاه درانی (کابل ۱۳۳۳ش)؛ تذکار دیوان همایون اعلی یا وزارت مالیه (کابل ۱۳۳۴ش)؛ دره الزمان فی تاریخ شاه زمان (کابل ۱۳۳۷ش)؛ هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر که نمونه هایی از استادان گذشته و همروزگار مؤلف و صد و هشتاد و هشت نمونه گوناگون خط وی را در بر دارد (کابل ۱۳۴۲ش)؛ تاریخ خرقة شریفه قندهار (کابل ۱۳۴۶ش)؛ منظومه بزرگداشت سید جمال الدین افغانی که به مناسبت بزرگداشت هشتادمین سالگرد مرگ وی منتشر شد (کابل ۱۳۵۵ش)؛ خزینه الاشراف (۱۳۵۵ش)؛ تحفه المولود (۱۳۶۷ش)؛ چاپ دیوان رحمان بابا؛ فرهنگ کابل باستان؛ غزنه در دو قرن اخیر؛ رساله دیوان اعلی در تاریخ ادارات افغانستان؛ دارالقضاء در افغانستان (کابل ۱۳۶۹ش)؛ رساله برگهای خزانی، چاپ دیوان اشعار تیمورشاه درانی (کابل ۱۳۵۶ش).» (ختم نقل قول)

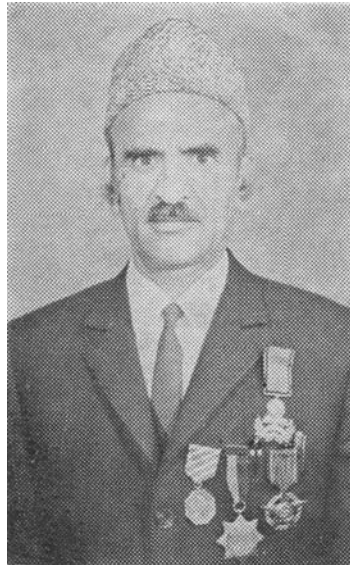
استاد وکیلی عمری بس دراز کرد، نود (۹۰) سال بزیست و این عمر شریف طولانی را وقف ادب و هنر و تاریخ وطن نموده از خود فیض جاری به ارمغان گذاشت. از فهرست آثار استاد فوفلزائی به صراحت دیده میشود که وی یک فرزند پرتلاش، پویا و فوق العاده پربار این آب و خاک بود. این همه آثار ماندگار هنری و کتب بزرگوار علمی با این تعدد، کار هر دانشمند نیست. وی یک عمر عرق ریخت، دود چراغ خورد، خواب راحت را بر خود حرام گردانید، تا این همه آثار بدیع و جلیل را به مادر وطن و فرزندان وطن تقدیم کرد. علاوه بر آن، این همه کارهای سترگ بدون عشق به وطن و بدون دلسوزی خاص بدین خاک و احبای مجد و افتخارات تاریخی آن، ممکن نمیگردید. استاد وکیلی پوپلزائی که از قوم پشتون بود، تقریباً نود درصد آثار خود را بزبان ارجمند دری آفرید و گنجینه تاریخ و فرهنگ و ادب این زبان را غناء بخشید؛ درست به مانند بسا دانشمندان دیگر دلسوز پشتوزبان که عمر خود را در پای "زبان دری" بسر رسانیدند و این زبان ملی و بس گرامی ما را غنی تر گردانیدند.

وقتی این سطور را مینویسم حیفم می آید و دریغها همی خورم که چرا بعض دری زبانان ناسپاس، خصوصاً افغانانی که خود را "افغانستانی" می نامند، پیوسته با زبان ارجمند پشتو عناد می ورزند و غرض ورزی های غیر قابل باور و ضدیت علنی خود را در هر مقاله و هر جریده و در هر گفتار و سیمینار و هر سر بازار ابلاغ همی کنند. این همه ناسپاسی را در حق پشتونان و زبان ارجمند ایشان، در حالی روا میدارند که خود به چشم سر می بینند که پشتونان وطن این همه خدمات ارزنده و کم مانند را تقدیم ادب دری و "زبان مادری" دری زبانان همی کنند.

پوهاند علامه مرحوم عبد الحی حبیبی که نیز پشتون بود و در عصر ما چون او دانشمندی نه در افغانستان و نه در منطقه سراغ میگردید و جمعاً ۱۳۲ اثر ذیقیمت خرد و بزرگ نوشت، هشتاد درصد آثار خود را در زبان گرامی دری تقدیم کرد. وی در وصف استاد وکیلی فوفلزائی چنین نویسد:

« اکنون که داستان آفرینش خط را در افغانستان شنیدید و نمونه های تاریخی را هم دیدید، ما خوانندگان گرامی خود را به تماشای پدیده هنری خط در عصر حاضر می آوریم. مواریت هنری گذشتگان ما درین عصر نیز خوشبختانه زنده اند، و ممثل بزرگ این هنر درین وقت استاد قادرالقلم عزیزالدین وکیلی

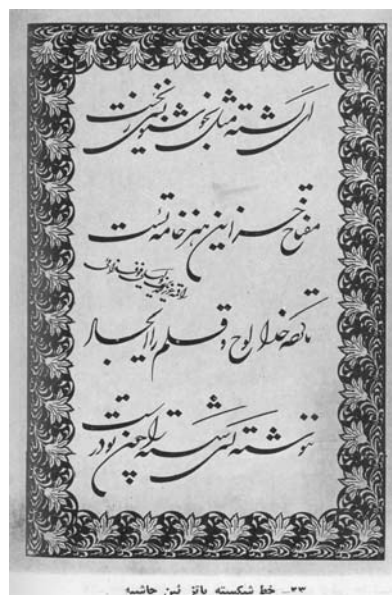
فولزائی قندهاری ولد مرحوم جاجی نظام الدین خان ساکن کابل اند، که با وجود داشتن مرتبهٔ اولین در صف خوشنویسان این زمان، نویسندهٔ مؤرخ و شاعر نیز میباشند. برای اینکه در پایان این کتاب نمونه های زندهٔ هنر خطاطی را در کشور عزیز خود ما نشان داده باشیم، از استاد گرامی موصوف خواهش کردیم که نمونه های انواع خطوط خامهٔ توانای خود را ضمیمهٔ این کتاب فرمایند. استاد دانشمند این خواهش ما را پذیرفته و (۳۵) قطعه از نمونه های مختلف خطوط خود را برای تکمیل و تزئین این کتاب بما سپردند، که با تشکر در صفحات آینده آنرا عکاسی کرده ایم، و خوانندگان محترم دیده میتوانند که فروغ هنر کهن در افق وطن می درخشد، و کشور عبدالله مروارید و میر عبدالرحمن و سید عظامحمد شاه از وجود هنرمندی چون استاد عزیز خالی نیست. خدای توانا بر برکات خامه اش بیفزاید.» (صفحه ۲۵۲ "تاریخ خط و نوشته های کهن افغانستان"، اثر استاد علامه عبدالحی حبیبی، نشر انجمن تاریخ و ادب، چاپ ۱۳۵۰ مطبوعه دولتی کابل، مهتم: حبیب الله رفیع)



استاد خلیل الله خلیلی یا همان "خلیلی افغان"، در وصیف استادی استاد وکیلی پولزائی در هنر خطاطی و بالخاصه در "خط شکست"، رباعی غزا و بس زیبایی سروده (مأخوذ از صفحه ۲۵۵ کتاب بالا)، که اینک از نظر خواننده ارجمند میگذرد:

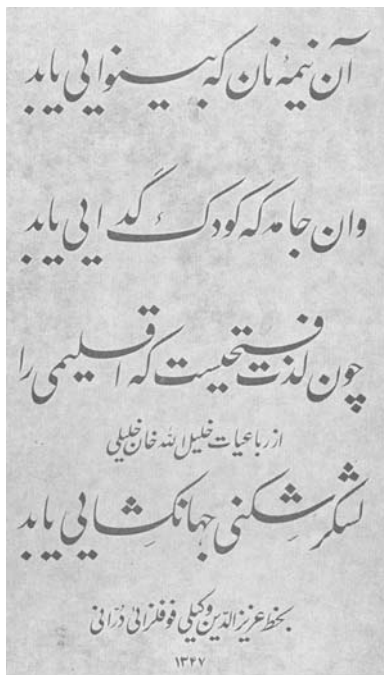
مفتاح خ زاین هنر خامه تست
ننوشته کسی شکسته را چون تو، درست

ای گشته مثل به خوشنویسی ز نخست
تا کرده خ دا لوح و قلم را ایجاد

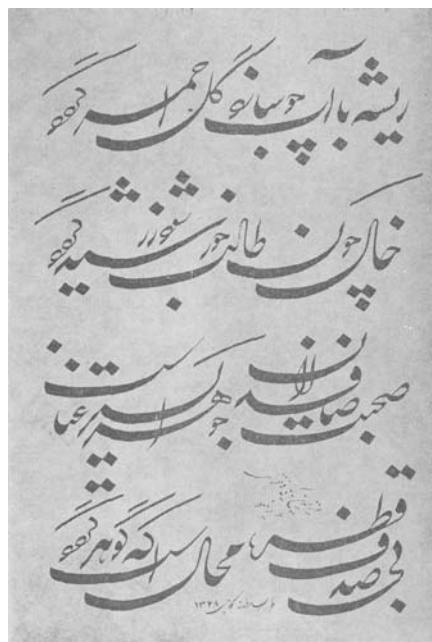


بدون شک که استاد جامع الکمالات بود؛ هم شاعر بود هم مؤرخ و هم خوشنویس، اما هنر اصلی استاد خوشنویسی بود که اندرین فن ظریف آیتی بود و فرید و یگانه روزگار. وی در همه انواع خط مهارت تام و استادانه داشت، ولی در خط شکست هیچ کس به مقام شامخش نمیرسید؛ نه در افغانستان و نه حتی در منطقه ما. شاید هیچ کس پیش از او نیز بر تمام انواع خطوط تا این حد به استادی نرسیده باشد.

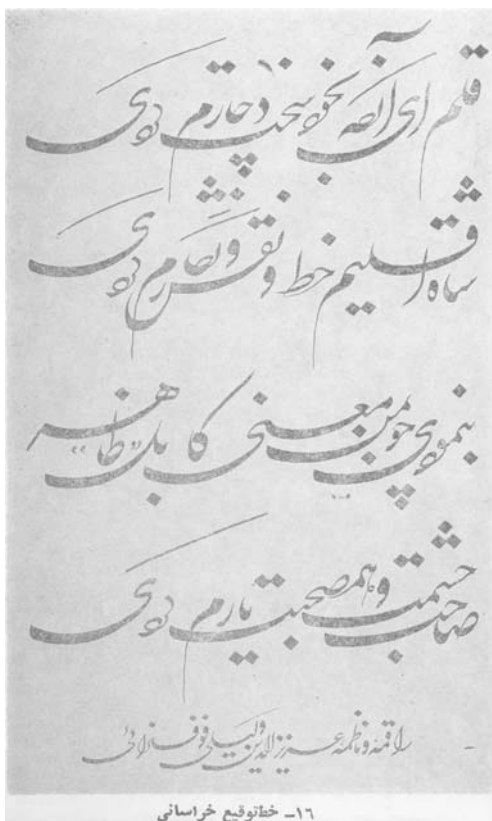
و اینک چند نمونه انواع مختلف خط استاد وکیلی فوفلزائی که از کتاب "تاریخ خط و نوشته های کهن در افغانستان" اثر علامه فقید پوهان عبدالحی حبیبی سکن گردیده :



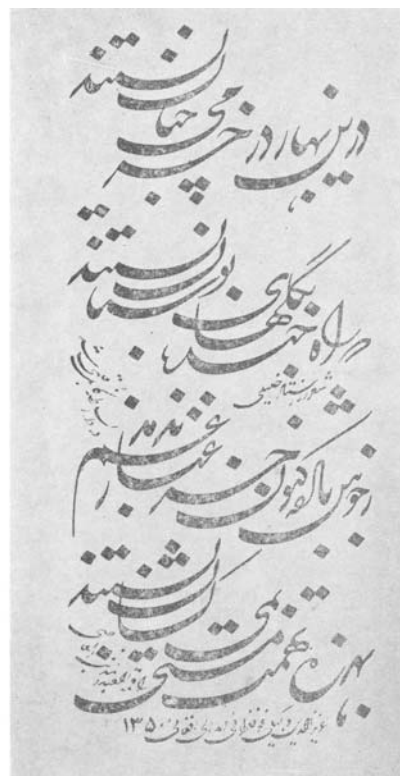
(۷) نستعلیق



(۶) خط توقیع خراسانی



۱۶- خط توقیع خراسانی



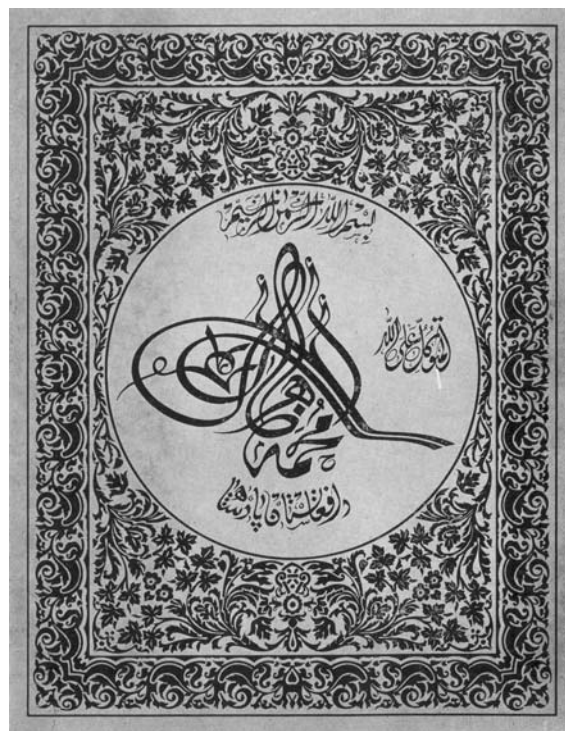
(۱۲)- توقیع مخصوص مکاتیب و آرامین

ستاد عشقه و بنودك شوه حكرونه
 ستاپه لاره كبره ياي خلجي سرونه
 كه هر خوم دد نيا ملكونه دېرشي
 زماخه هر نشي داستاينكي باغونه
 در قيب در وند متاع به تاريه تار كرم
 چه په تور و پستانه كا گذارونه
 تاته راسمه ز ركي ز ما فارغ شي
 بي له تاحم اندېشنه دز به مارونه
 ددهل تخت هېر و مه چه را ياد كرم
 ز ما دېنكلېنېس تو خوا غر و سرونه
 كه تمامه دنيا يوخوانه بل خوايي
 زماخو خويندې ستانش دكرونه
 "احمد شاه به دغه ستا قدر هېر نكا
 كه ونيسه دتمام جهان ملكونه
 ليكوكي، عزيز الدين ويكلي پيليزي ۱۳۴۲

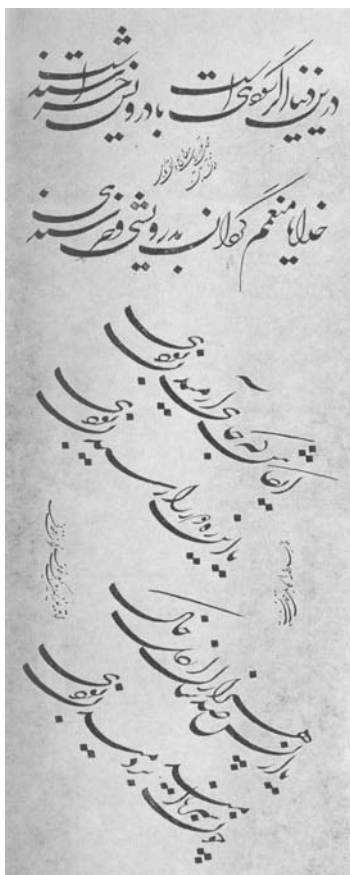
۱۸- خط نسخ پښتو. غزل احمد شاه ابدالي



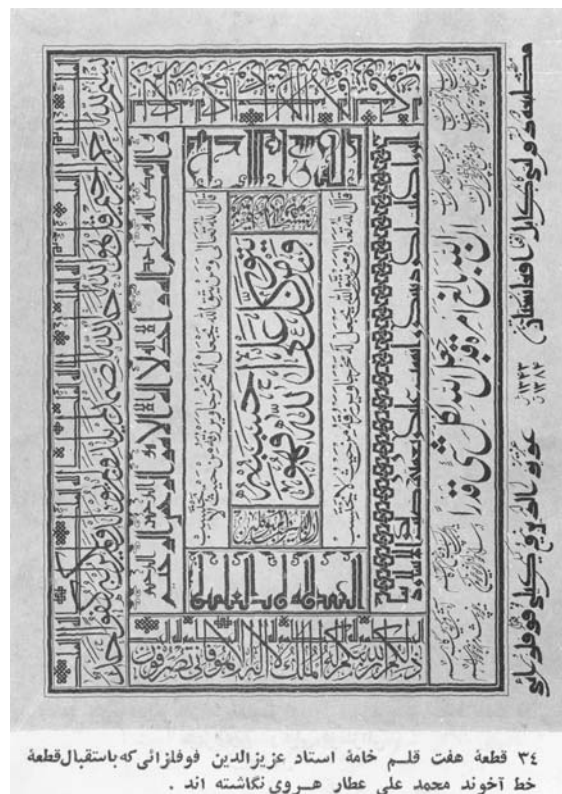
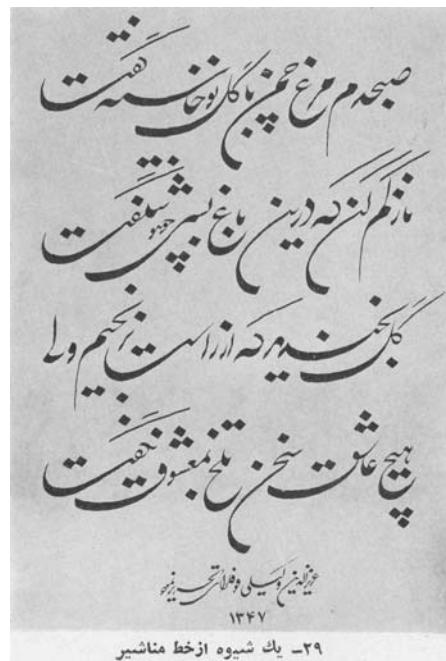
۲۱- خط كوفي وشكسته طرز منشور با صنعت حواتي



۲۲- طغرای خط دیوانی با حروف تاج و صنعت تزئین حاشیه



۲۷- خط توقیع شیعه خراسانی



اینک که این یادنامه سپاسدارانه و مختصر را به پایان می رسانم، در حالی که انبوه آثار هنری و علمی آن مرد خدا و آن فرزند برومند وطن در آرشیف ذهنم جلوه می فرمایند، با آه و حسرت و در عالم عجز و نیاز، از درگاه آن تواب رحیم ، خداوند بی نیاز ، نیاز میکنم که روان آن استاد عالیمقام و بزرگوار و آن خدمتگار صادق وطن را قرین عنایات خویش داشته، مأوایش را فردوس برین بنمایاد و به بازماندگان سوگوارش ، صبری جمیل و اجری جزیل عطاء بفرمایاد!

توضیح :

* - در مورد اینکه چرا این "دانشنامه" اسم اتباع وطن عزیز ما را در عوض "افغان" ، "افغانستان" می آورد حدیث بسیار است. من ضمن نقدی که بر این "دانشنامه" زیر عنوان "گذری انتقادی بر جلد سوم دانشنامه ادب فارسی - دانشنامه یا دشنام نامه؟" در زمینه اندک روشنی انداخته ام. این مقاله در جرائد ملی افغانی خارج از وطن - از جمله شماره ۱۱۰ "آئینه افغانستان" نشر گردیده. البته در مورد "افغان" و "افغانستانی" مقالات یشمار نوشته ام که همه در سایتهای اینترنتی اشاعه یافته اند. تمام این مقالات در آرشیفم در پورتال "افغان جرمن آنلاین" موجود اند. بسی ازین مقالات در بعض جرائد افغانی خارج افغانستان، از جمله "آئینه افغانستان" ، "درد دل افغان" ، "افغان رساله" و غیره نیز نشر گردید اند..